



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات

سال ششم - شماره ۱۴۸۲

صفحه ۱

فهرست مندرجات

شنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۲۸

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات هفتین جلسه دوره شانزدهم مجلس شورای ملی صفحه ۱ تا ۱۴ آگهی های رسمی ۸ و ۱

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیکشنبه بیست و یکم اسفندماه ۱۳۲۸  
فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - قرائت نامه تودیع مقام ریاست
- ۳ - اعلام نتیجه آراء کمیسیونها
- ۴ - تصویب يك فقره اعتبارنامه
- ۵ - نطق قبل از دستور آقایان: دکتر جلالی - تیمورتاش - اردلان - ابریشم کار
- ۶ - بقیه مذاکره در برنامه دولت
- ۷ - تقدیم بودجه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی
- ۸ - بقیه مذاکره در برنامه دولت
- ۹ - موقع دستور جلسه آینده - ختم جلسه

مجلس ساعت نه و چهل دقیقه صبح بریاست آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

به هیچ نحو نمیتواند جز آن نظارت قانونی که دارد

برای حسن جریان کار، مداخله ای داشته باشد و اگر

در آنجا تذکری دادم برای این بود که دولت این

نظارت خودش را خوب بود اعمال میکرد تا صندوق

لواصانات باین صورت کتیف درنمیآید و نظردیگری

نداشتم حالا هم باید انجمن اظهار نظر کند و مجلس

روش قضاوت کند.

### ۱ - تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟

کشاورز صدر - اجازه میفرمائید.

نایب رئیس - بفرمائید.

کشاورز صدر - بنده راجع بصندوق

لواصانات قبل از دستور صحبت کردم درین الاثنین

آقای صفائی و آقای اسلامی يك مطالبی اشاره

کردند و گفتند که بنده آنجا که بودم توجه نکردم

و خواستم این جا توضیحا عرض بکنم که برای آقایان

شبهه ای حاصل شده بود حکانه بنده از مفاد نطقم

این طور مستفاد میشود که دولت میتواند رسیدگی

بکند و دخالت در کار انتخابات و صندوقها بکند و حال

آنکه بنده همانجا تصریح کردم و حالا چون این مطلب

بسیار مهم است متذکر میشوم که دولت به هیچ کیفیت و

بیست و یکم اسفند ماه ۱۳۲۸ - مجلس مقدس شورای ملی چون در نتیجه شدت کسالت بحکم ضرورت و به موجب تجویز پزشکان مسافرت ناگهانی برای معالجه پیش آمد با استفاده از تعطیل ۲۰ روزه مجلس شورای ملی باروی اعزیت مینمایم و متأسفانه میسر نشد با فرد فرد آقایان همکاران عزیز تودیع کنم و لذا بدینوسیله تودیع نموده و از صمیم قلب توفیق آقایان نمایندگان محترم را در راه انجام وظایف ملی از خداوند مسئلت می نمایم. رضا حکمت

### ۳ - اعلام نتیجه آراء کمیسیونها

نایب رئیس - گزارشی راجع به بقیه کمیسیونها رسیده که بعرض مجلس میرسد.

اردلان - قبیل از دستور بنده اجازه خواسته بودم.

(گزارش کمیسیونها بشرح ذیل قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی: نظارت استخراج

آراء کمیسیونهای پارلمانی در جلسه ۱۷ و ۱۲ و ۲۸

کمیسیونهای امور خارجه، فرهنگ، کشور، کشاورزی

و استخراج و قرائت نموده اینک نتیجه آنرا بعرض میرساند

کمیسیون امور خارجه حائزین اکثریت - آقایان:

تیمورتاش، ناصر ذوالفقاری، اعظم زنگنه، اقبال،

رفیع، عامری، دکتر سید امامی، مخیر فرهند،

ملک مدنی، شکرانی، ابتهاج، حسن اکبر، دکتر

طاهری، دکتر هدایتی، حاذقی، خسرو قشقائی

موقر، حکیمی.

کمیسیون فرهنگ حائزین اکثریت - آقایان:

صدرزاده، دکتر کاسمی، گنابادی، حاذقی، دکتر

معظمی، دکتر سید امامی، معین طاهری، دکتر علوی،

دکتر نبوی، صفوی، ناظرزاده، نقه الاسلامی، دکتر

مجتهدی، سلطان العلماء، رضوی شیرازی، خاکباز،

فرهودی، حکیمی.

کمیسیون کشور حائزین اکثریت - آقایان:

قاسم فولادوند، محمد ذوالفقاری، مرتضی حکمت

### ۲ - قرائت نامه تودیع مقام ریاست

نایب رئیس - تذکر راجع بصورت جلسه در

صورتی است که يك اشتباهی باشد و الا بعنوان اعتراض

بصورت جلسه نمیشود نطق دیگری کرد (صحیح

است) نامه ای از آقای رئیس مجلس که دزفورد گاه

لطف کرده اند بعرض آقایان میرسد.

(بشرح ذیل قرائت شد)

• بین مذاکرات مشروح هشتین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«اداره تندیس و تحریر صورت مجلس»

قبادیان - استیاج - مسعودی - دکتر نبوی - دولت‌شاهی - تنه‌الاسلامی - حرب شیبانی - ناظرزاده - ملک مدنی - رضوی شیرازی - دکتر کبیر - قرشی - شوشتری - سرنیززاده - محمود - مسعودی

کمیسون کشاورزی - اکثریت - آقايان - ظفري - پرومند - خا کباز - تولد - معین طاهری - فقیه زاده - کودرزی - غسغرفی - خسرو قشقائی - قهرمان قرشی - مرتضی حکمت - ابریشم کار - حمیدیه - امیری - فراگوزلو - محمود - مسعودی - کوراعلی - کرگانی

قبادیان - بنده اعتراض بصورت جلسه داشتیم - رئیس - بفرمائید - قبادیان - مرض کنم در کمیسیون نظام در غیبت بنده آقايان رأی گرفته بودند در صورتی که کمیسیون بودجه تشکیل شده بود و بنده هم چون عضو آن کمیسیون بودم منتظر استخراج آراء آن کمیسیون بودم با ده نفر آقايان منتظر ۸ نفر دیگر از آقايان نمایندگان که در خارج بودند نشده و بر خلاف مقررات مجلس رأی گرفته بودند در صورتی که از این اطلاق بآن اطلاق بنده را کسی غیر نکرد خواستم اعتراضها بکمیسیون و طرز عمل کمیسیون بکنم

۴ - تصویب یک فقره اعتبار نامه - نایب رئیس - در صورتی که اعتراضی وارد باشد بعرض مجلس میرسد گزارشی راجع با انتخابات مشکین شهر است که بوسیله مخیر کمیسیون قرائت میشود. آقای دکتر نبوی مخیر شبیه بفرمائید (اعتبارنامه آقای ابوالحسن حکیمی) (بشرح ذیل قرائت شد)

پرونده انتخاباتی خیاب (مشکین شهر) حاکمیت که در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۲۸ از طرف فرماندار جهت تشکیل انجمن مرکزی نظارت انتخابات از طبقات ششگانه دعوت بعمل آمده و پس از تعیین اعضا اصلی و علی البدل و تشکیل شعب ذریعی و انتشار آگهی در کلیه حوزه ها از تاریخ ۲۴ دیماه تا تاریخ ۲۶ دی اقدام بتوزیع تعرفه و اخذ رأی شده پس از استخراج و قرائت آراء آقای ابوالحسن حکیمی با اکثریت ۱۲ رأی از مجموع ۶۵۰ رأی مأخوذه بنمایندگی از حوزه انتخابیه خیاب و چون در مدت مقرر شکایاتی بانجمن واصل نگردیده بود در تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۲۸ اعتبارنامه بنام ایشان صادر شده است. شعبه اول پس از رسیدگی بیرونده مزبور و عدم وصول شکایات در موعد مقرر صحت انتخابات خیاب و نمایندگی آقای ابوالحسن حکیمی را تأیید و اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی میگردد

نایب رئیس - مخالفی نیست تصویب شد. آقای دکتر علوی رئیس کمیسیون نظام توضیحی دارید بفرمائید. دکتر علوی - اعتراض آقای قبادیان وارد نبود برای اینکه تعداد اعضاء کمیسیون نظام ۱۲ نفر است و ۱۰ نفر از ۱۲ نفر حاضر بودند (صحیح است) ۵ - نطق قبل از دستور آقايان : دکتر جلالی - تیمورتاش - اردلان - ابریشم کار - نایب رئیس - چند نفر از آقايان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند دستور جلسه هم برنامه دولت است با اینکه وقت تشکیل جلسه قبلا باطلاع

دولت رسیده است مهتما حضور ندارند و باید در آتیه رهايت کنند که سر وقت حاضر باشند (صحیح است) آقای دکتر جلالی بفرمائید

دکتر جلالی - بنده وقتی صورت جلسه مطرح بود تقاضا کردم ولی توجه نشد باک ابرادرات کوچک در بعضی عبارات و جملات بنده بود که بنا اجازه آقای رئیس اجازه میدهند که به تند نویسی تند کردیم و اصلاح بکنند قبل از اینکه وارد در موضوع صحبت قبل از دستور شویم بخواستم از استقبال و پذیرائی شایان و بی نظیری که ما دوست و برادر ما با کستان از اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نمودند مورد تقدیس و تشکر مجلس شورای ملی و قاطبه ملت ایران میباشد موضوع دیگری که بنده میخواستم بعرض مجلس شورای ملی برسانم و آن این بود که متأسفانه در این مملکت همانطوری که در دهمه گذشته مرض ضرر کم مردمی که باید توجه بشود و حق را بجای خودش انجام میدهند نمیشود آقای ساعد یا آقايان دیگر متأسفانه وقتی در رادیو یا سایر مجامع صحبتی میکنند آنها را در دستگاه ضبط صدا ضبط میکنند و ده ۱۵ دقیقه گوش مردم را از این حیث بزحمت میاندازند ولی متأسفانه صحبتهای مجلس ابتدا نباید در رادیو گفته شود حتی دستور صریح داده اند که از ذکر مفصل صحبت نمایندگان خودداری کنند روزنامه ها هم بعلت اینکه متأسفانه شاید مقدور نمیشود برایشان که صحبتهای مفصل را ضبط کنند آنطوری که باید صحبتها را در روزنامه ها نقل نمایند ما تنها داریم از روزنامه ها رادیویی ما که در این وضعیت است و جناب آقای ساعد دستور فرموده اند راجع بمجلس صحبتی نشود (صحیح است) رادیو دولتی است موضوعی ندارد که راجع بمجلس حرفی زده شود (صحبتهای مجلس را طوری نقل بفرمائید که جمله بی نیتند اگر نقصی در بعضی قسمتهایش می بینند بهتر است که بصحبت کننده مراجعه بفرمائید یا از تند نویسی بگریزند برای اینکه در صحبتهای گذشته بنده جملاتی بود که بنده مقدمه اش را گفتیم ولی آن قسمت را که نتیجه گرفتیم متأسفانه در روزنامه ها نبود و این البته برای این که ذهن عموم را مشوب میکند صورت خوبی ندارد البته در صورت جلسه امروز خیلی چیزها بود که حذف شده بود ولی آن قسمتهای اساسی بود موضوع دیگری که بنده میخواستم عرض کنم این بود که در جلسه گذشته راجع بدان شکده پزشکی صحبت کردم و آنهم ناشی از همین اصل که عرض کردم شده است برای اینکه آن قسمتی را که من تشکر کردم از خدمات رئیس دانشکده پزشکی و بعضی از افراد دانشکده که حقیقه زحمت میکنند برای دانشکده ابتدا در روزنامه ها درج نشده و این موجب گله همکاران من شده است و حال آنکه من خودم که در آن دانشکده هستم حق این است که بیشتر از آقايان احترام کنم حالا میخواستم خدمت آقايان عرض کنم که من در دهمه گذشته آنقدر که باید از آنها بی خدمت میکنند ذکر کردم مخصوصاً رئیس دانشکده را ذکر کردم و این قسمت در صورت مجلس هم منعکس است ما تمنی داریم از روزنامه ها که این موضوع را توجه بفرمائید رادیو هم اگر جناب آقای ساعد اجازه بفرمائید صحبتها را همانطور که در مجلس می شود منتشر کنند و با اینکه در مجلس شورای ملی دستگاه ضبط صدائی باشد که بتوانند صحبت را عیناً نقل کنند

فرامرزی - اجازه بفرمائید آقای رئیس که بنده راجع باین موضوع یک توضیح بدهم. نایب رئیس - نطق قبل از دستور است و نوبت آقای تیمورتاش است

فرامرزی - من صحبت میخواستم بکنم راجع به روزنامه ها میخواستم عرض کنم که این ترتیب نمیشود باید در مجلس دستگامی باشد که بتواند برساند نایب رئیس - یکی از آقايان که اسم نوشته اند برای نطق قبل از دستور نوبت خودشان را بشما میدهند در غیر این صورت مقررات اجازه نمیدهند آقای تیمورتاش بفرمائید

تیمورتاش - متأسفانه جناب آقای ساعد و هیئت دولت تشریف ندارند همانطور که آقای رئیس فرمودند وقت جلسه هم اخطار شده است ولی هنوز تشریف نیاورده اند و بنده هم راجع بموضوع اختصار عرض می کنم موقعی که نوبت صحبت در برنامه دولت به من رسید خیلی مفصل خواهم گفت ولی خوشبختانه یا متأسفانه برای آقايان همکاران در مخالفت با دولت آقای ساعد بر بنده سبقت جستند که نوبت بنده به یازدهم رسیده با اینکه ساعت ۶ صبح هم بود بهر صورت حالا بطور اختصار از قدیمهای اول دوره شانزدهم مجلس شورای ملی می پردازم تصور میکنم با اوضاع کنونی دنیا ما باید در مرحله اول خودمان بدانیم که بکجا میرویم چه میخواهیم و هدف ما چیست اگر خود ما این را ندانیم مشکل میدانم که باری از دوش این ملت ایران برداریم خواه ناخواه بیاناتی که در اینجا میشود رسبت دارد و این مجلس و این تربیون باید مرکز نقل کشور باشد متأسفانه مثل اینکه بعضی اوقات حرفهایی اینجا میزنیم که متوجه بتأثیرات بعدیش نیستیم و بازم بدبختانه دشمنان ایران از آنها بیشتر از خود ما استفاده میکنند (خسرو قشقائی - بزرگترین دشمن ایران دولت ساعد است) و بنده هم در مخالفت با دولت آقای ساعد مخالفم ولی نه باین حدی که فرمودید (فرامرزی - صحیح است) عرض کنم اخیراً خبر بلکه از دیر زمانی است که فرمولی در این کشور هست که میشود اینطور خلاصه کرد که خاطر مبارک آسوده باشد (بهادری - این متداول است) معمولاً این فرمول نسبت سیاست داخلی ما اعمال میشد باین معنی که مامورین دولت و مصادر امور معمولاً میگفتند خاطر مبارک آسوده باشد تصور میکردند که باین ترتیب تمام مشکلات امورا حل می کنند خوشبختانه امروز شخص اول مملکت یعنی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خودشان خوب واقف هستند بر وضعیت خطیر این کشور در کنسردنیائی بدلیل اینکه خودشان اولین کسی هستند که واقفاً تمام رنج راه و زحمت سفر را بخودشان هوار میکنند گاهی در لندن گاهی در واشنگتن گاهی در کراچی و واقفاً میخواهند نشان بدهند که ما هم باید وارد جریان اینها باشیم بلکه میخواهم بیشتر عرض کنم اعلیحضرت همایونی هستند که ناقوس خطر را بصدا در آوردند و چنانچه آقايان محترم که شرفیاب بودند ملاحظه کرده اند فرمودند اگر مجلس اگر دولت اگر ملت ایران بخواهد واقفاً هستی بخرج ندهد کاری از پیش نبرد در این دوره سند بی لیاقتی خود را امضاء کرده است (صحیح است) بنا بر این خیال میکنم ایشان شخصاً خیلی خوب واقف باشند و بدانند که خاطر مبارک آسوده باشد در جریان

ملی مملکت معنی و مفهومی ندارد عرض میشود من میدانم آقايان خوب توجه دارند باینکه چنگ بین المللی دوم چه تأثیرات شکر و عیبی در دنیا بوجود آورد و چه بسا اصول و قوانینی که در سابقاً جزء لوازم زندگی يك ملتی بوده بعد واقفاً باین معنی که میخواهم عرض کنم شاید وسعت نظر بیشتری وجود آورده باشد و لغات آن مفهومیهای قبل از چنگ خودش را از دست داده است و تا اندازه ای امروز همکاری، همکاری، تشریک مساعی و تشریک منافع يك مفهوم خیلی بسیط تری بخودش گرفته و در دنیای کنونی میشود گفت که کلمه استقلال بآن مفهوم خیلی متعصبانه قرن نوزدهم را از دست داده است بدلیل اینکه دنیا احساس میکند که احتیاج به همکاری با هم دارد دنیا می بیند که هیچ کشور و ملتی نیست که بتنهائی و خودی خود بتواند بر مشکلاتی که در پیش دارد غائق بیاید بنا بر این همکاری يك مفهوم خیلی بسیط تر و بزرگتر و واقع تری بخودش گرفته است در اینجا صحبت از هزار فامیل بیان آمد گفتند که اصلاً همان فرمول خاطر آسوده باشد دنیا به بهترین وجهی برای ایران می گردد و ما هم بر تمام مشکلات فائق آمده ایم و هیچ مشکلی دیگر در پیش نداریم حتی از این بالا تر گفتند که کونوسیم در این کشور وجود ندارد من میخواهم ادعا کنم که کونوسیم در این کشور هست بدلیل اینکه بعدالتی، فقر، مسکنت، بیچارگی، بدبختی اینها همه عناصری هستند که کونوسیم را در همه جای دنیا بوجود آوردند و بدبختانه در این کشور هم اگر ما دوی ماجلی برای اینکار نکنیم بوجود نمیآوردند (صحیح است) آقايان این فایده ندارد که ما بیائیم در پشت این تربیون و بگوئیم که دنیا خوبست که ما راحت هستیم ما مرفه هستیم ما خوب زندگی میکنیم بظاهر بیاورید آن روزی را که چرچیل این فاتح چنگ دوم مامور انگلستان را در دست گرفت و انگلستان را فاتح و بیروز کرد اولین پیامش این بود که من جز اشک و خون و آه برای شما هیچ ندارم ولی يك چیز دیگر هم گفت که گفت من این اراده را دارم و ملت انگلیس این اراده را دارد که بر مشکلات فائق بیاید امروز هم فایده ندارد آقايان که ما به نشیمن و بگوئیم دنیا خوبست و ما آب گوارا مینوشیم ما بیائیم اینجا و بگوئیم بد است بد است بد است و این اراده را داریم که خوبش بکنیم و آن چیز را که از گذشت از فدا کاری از خود گذشتگی که باید بروز بدهیم برای این کار قدرت و جرات و شهامت این را داشته باشیم که بکنیم اگر بنا گفتند که همه چیز خوبست من از شما سؤال میکنم کدام دولت است که میخواهد بشما کمک بکند کدام دولت است که بخواهد با پشتیبانی خودش رفع این معظورات را از شما بکند ولی اگر گفتند که خطر نزدیک است همچنانیکه هست اگر گفتند که ما نیازمند هستیم به کمک شما و این کمک شمارا در حال استقلال خودمان میخواهیم آنوقت است که دولتهای دنیا و کسانی که خواهان رفاه و آسایش توده ها هستند به شما کمک خواهند کرد نکته دیگری که باید عرض کنم این است امروز کشورها دو نقش دارند یکی نقش ملی خودشان و دیگری نقشی که در کنسردنیائی بازی میکنند

مانقش ملی خودمان را چنانچه نشان دادیم عمل خواهیم کرد و در مقابل هر گونه تجاوز جز اینکه سر تسلیم فرود نیاوریم و جان خودمان را فدا نکنیم چهارم دیگری نداریم و این کار را خواهیم کرد زیرا ایران و ایرانی در اصاق قلبش ایران دوست است والا قادر نبود تاریخ مشعش خودش را حفظ بکند (بکنفرانمایندگان - باستثناء يك چند نفری که فرار خواهند کرد) ما آنها را ایرانی نمی شناسیم آنها را یازدهم و زانوهای ایران میدادیم و بیان من هم در مورد همان زانوها است (صفائی - ولی منافع خودشان را بیشتر از همه میبرند) خوب شما قدرت داشته باشید حاوی منافع آنها را بگیرد این نقش ملی ما است که در مقابل هر زور و تجاوزی فقط جان خودمان را در دست بگیریم و سینه مان را سپر بکنیم این کار را من یقین دارم اکثریت ملت ایران قاطبه ملت ایران خواهند کرد چون آنهاست که فکر فرار میکنند و میروند خیلی معدود هستند ولی يك نقش دیگر هم ایران دارد آنها هم جغرافیائی و اهمیت سیاسیش در دنیا است شما بروید و بگوئید اگر شما واقفاً میخواهید که ایران موقعیت سیاسی و جغرافیائی ایران کمک شما باشد باید باین مملکت کمک کنید دست تکدی دراز نکنید (صحیح است) بگوئید باید کمک کنید زیرا شما با احتیاج دارید و برای موقعیت ما است که ما را میخواهید (صحیح است) و اما منم بگوئید که دیگر ایران رمقی ندارد (صحیح است) بگوئید اشغالگری شما بگوئید شما این مملکتی را که بی بیروزی نام نهادهید اینها کمترین مملکت را خورد کرده است و دیگر خون در عروقش نیست شما اگر بخواهید واقفاً باین کشور رمق بدهید باید بدون شرط بدون چون و چرا باین کشور رمق بدهید کمک بکنید آقايان اگر مریض خیلی سخت باشد اول بهش خون تزریق می کنند قبل از اینکه بدانند چه عملی باید با او بکنند خون تزریق میکنند تا رمقی در او ایجاد بکنند غیر از این است آقای دکتر؟ (اشاره به آقای دکتر طباطبائی) از نقطه نظر فنی کاملاً صحیح نبود ولیکن از نظر اصول صحیح است باید اول رمق داشته باشد که بتواند بگوید چه دردی دارد این خون باید باین کشور تزریق شود ولی بدون چون و چند بدون اینکه بگویند این را میخواهید چه بکنید چه نکنید آقايان از ملت دوست و همسایه مان ترکیه سر مشق بگیرد بیبند در اثر سیاست روشن در اثر مرد عکار بودن و در اثر ادراک سیاسی چطور توانسته است از هر گونه کمکی بهره مند شود هنوز هم خودش را انگازه نکرده و نگفته من تا کی باشم هستم ولیکن میگردد که موقعیت من ایجاب میکند که بین کمک کنید اینها فقط يك دولت مقتدر و قوی می خواهد بدبختانه تصور نمیکنم که جناب آقای ساعد از عهده انجام این نقش بر بیاید (صحیح است) اگر فرصت صحبت در برنامه دولت بمن رسید دولت مقتدر و قوی را هم تفسیر خواهم کرد و عرض خواهم کرد که منظور من از دولت قوی چیست بیش از این فعلاً عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای اردلان - اردلان - جناب آقای وزیر دارائی در جلسه چهارشنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۸ مطالبی فرمودند از لحاظ اهمیت در مجلس سنا که بنده مجبور شدم این

موضوع را در اینجا بحث میکنم برای اینکه اگر این صحبت بزیان کشور تمام نمیشد بنده فرصت داشتم در موقعی که برنامه دولت جناب آقای ساعد مطرح میشود آنرا عرض کنم ولی متبرسم اولاً نوبت بنده نرسد و این قضیه بماند تا بعد از تعطیل عید و این فرصت از دست برود و آن این بود که جناب آقای وزیر دارائی در بیانات خودشان فرمودند که در دوره گذشته برای اجرای برنامه ۷ ساله لایحه ای بمجلس شورای ملی دادیم جهت نشر اسکناس و این لایحه موقوف ماند و از مجموع بیاناتی که در مجلس سنا فرمودند اینطور استنباط میشود که این لایحه و اجازه نشر اسکناس برای اجرای برنامه ۷ ساله يك امر ضروری است از مخالفین سرسخت این لایحه در دوره گذشته بنده بودم و دلایل بسیار روشن و مسجعی داشته و دارم که ما در این چند سال اولی که حد اقل دو سال با سه سال که می خواهم برنامه ۷ ساله را اجرا کنیم به چه وجه احتیاجی به نشر اسکناس جدید نداریم و صحبت نشر اسکناس ببقیده شخص بنده و بامدارک و ارقامی که الان بعرض آقايان میرسانم موجب این می شود که اساساً برنامه هفت ساله اجرا نشود (صحیح است) (خسرو قشقائی - حالا هم نمی شود) آقايان نمایندگان محترم توجه بفرمائید که هزینه زندگی با تمام تدابیری که دولت می گوید اتخاذ می کند باز هم یائین نیامده و بلکه بالاتر می رود وقتی برقم نگاه بکنید می بینید اگر هزینه زندگی را در سال ۱۳۱۰ حد وسطش را شاخص هزینه کل ۱۰۰ قرار بدهیم در آبان ۱۳۲۸ ۹۳۵ است یعنی بیش از برابر زندگی گرانست و در تمام مدتی که متفقین در ایران بودند و قشون آنها در ایران بود زندگی در حدود همین پایه بود و بین ۹ و ۱۰ برابر بود بنابراین از سال ۱۳۲۱ بیستم این هزینه زندگی هیچوقت یائین نیامده مسلماً این يك دلیللی دارد آقايان ساینده گان محترم توجه بفرمائید در سال ۱۳۱۶ يك قطعی در ایران بوجود آمد قیمت همه اجناس رفت بالا برنج که در حدود پنج برابر بود به ۴۰ ریال رسید ولی سال بعدش آمد یائین چرا از سال ۱۳۲۰ باین طرف هزینه زندگی که رفته بالا یائین نیامده لابد يك دلیللی دارد جستجو بکنید و در برنامه اگر به بنده فرصت رسید در این خصوص مفصل بحث خواهم کرد ولی چیزی را که در مقدمه عرض خودم عرض کردم این بود که ما احتیاج بانشر اسکناس جدید نداریم شما تصور می کنید که يك فردی امروز بایک چمدان پیراز اسکناس که در حدود پانصد هزار ریال باشد برود در یکی از کافه های شهر طهران بخواهد این را در ظرف چند ساعتی که در آنجا هست خرج بکنند این برایش مقدور نیست دستوران کنجایش این اندازه خرج را ندارد هر قدر سفری بدهد هر قدر شیرینی و جای و هر چه در آن رستوران باشد بازم پول او زیاد می آید مادر کشوری زندگی می کنیم که در حدود سی کرور جمعیت دارد يك هده از افراد این مملکت که اکثریت این کشور را تشکیل میدهند در کارهای کشاورزی هستند که ما اگر بخواهیم آنها را از پشت گاو آهن برداریم برهه بیکاران کشور افزوده ایم بنابراین ما در حدود افراد بیکاری



نهیست دستگامها هم آهنگ نیست و با نبودن عدالت اجتماعی بنده متقدم ناشی از ضعف قوه قضائیه است آن مطالب دامنه بسیاری دارد که بیان من قادر بادی حق مطالب نیست مضافاً باینکه وقت هم کافی نیست یکی از تشکیلاتی که با اساس امنیت قضائی لطمه زده بقیه بنده این دادگاههای اختصاصی است این کال- بیتولاسیون داخلی است این یعنی چه؟ که بکمیته ای در یک دادگاه خاصی معاکمه شوند یک جمعی در یک دادگاههای عمومی اگر یک مأموری در اقصی نقاط این کشور متهم بگناه می شد که ارتباط با مأمورین دولت داشت بایستی سبب فرستادن راه باید تهران و هشت ماه یکسال در اینجا سرگردان بماند تا اوقیت معلوم شود که بی گناه بود یا گناهکار درجائی که دادگاههای عمومی در تمام کشور در نقاط مرکزی بسط دارد لازم نیست که یک هائلهای بیچاره بشوند همان درمحل معاکمه میشوند اگر گناهکار بود مجازات میشود گناه نداشت بر نه میشود مایه دیگری که دارد این است که هر کاری را بخوانند نشود در این مملکت یک پرونده پیدا میکند و می رود دیوان کبیر کارکنان دولت و دیگران را هم مایوس می کنند نظیر همان شرکتی که برای برق تهران تأسیس شد جناب آقای ابتهاج این جا هستند گویا ایشان شهردار بودند جمعی حاضر شدند سرمایه بدهند شرکتی تأسیس کنند که برق تهران را تأمین کند اینها که بیک همچو کار هام المنعمه ای میخواستند دست بزندان قبل از اینکه به نتیجه برسد همه را بدیوان کبیر کارکنان دولت کشیدند همه هم استعفا کردند یا ادارات دولتی که امور حیاتی مردم را درست گرفته اند با داشتن تمام وسایل ارز و راه آهن و پول موجود در بانک ملی نتوانستند قندو شکر این مردم را تأمین کنند درحالی که در دنیا هیچ محدودیتی برای فروش قند و شکر نبود یکمده تاجر آبرومند را بردند دیوان جزاو باین که دلیلی هم پیدا نکردند شجاعت این را هم نداشتند که یک قرار منع تعقیب صادر کنند آقایان یک تاجری که در دنیا اعتبار دارد سروکار دارد وقتی در دادیوها گفته شد وقتی در جراید نوشته شد که این مجرم است اعتبار او طوری لطمه می بیند که اعتماد آن اعتبار در عرش برای او مشکلات است آیا با این وضعیت کسی حاضر است بیاید سرمایه خود را صرف دستگامهای تولیدی کند البته اطمینان لازم است یکی دیگر از این دستگامهای اختصاصی دادگاه اختصاصی دارائی است این هم یکی از عوامل بدبختی این مملکت است بایستی که هر کس دولت مدعی او شده و متأسفانه دولت مدعی همه هم هست کیست که از ادعای دولت معاف باشد او را نیندازد باید برود و در دادگاه اختصاصی دارائی هر چه آقای وکیل دولت پیش نویس کرد البته هم شان خیر، اکثرشان آن قضاوت رای صادر می کنند یک نفر کارمند دارائی را از مازندران فرستاده اند در رأس دادگاه اول دادگاههای دارائی که مقدرات مردم را تعیین کند بنده از جناب آقای وزیر دارائی از جناب آقای وزیر دادگستری استعفا می کنم احکامی را که در این مدت کم این مأمور صادر کرده است اشخاص را مثل آقای سید محمد امامی که در دیوان کشور هستند این قبیل عناصر قضائی را مأمور کنند این احکامی را

که صادر کرده است به بینند اگر احکامی را که صادر کرده است منطبق با موازین قضائی هست بنده این جا می آیم و تشکر می کنم و استعفا می کنم تشویقش هم بکنند ( صفائی - اسمش چیست ؟ ) میرمیرائی ( پیراسته - آقا میرمیرائی قاضی است ) بنده میگویم رسیدگی بکنند اگر قضاوت آن صحیح است بنده از ایشان تشکر می کنم ( صفائی - جوان خوبی است ) جوان خوبی است طیاره بلد نیست بسازه جوان خوبی است قضاوت را نینداند ( صفائی - مازندران است آقا ) عرض کنم قاضی باید فوری شجاع باشد قاضی همینطور که مصون است بایستی تحت تأثیر هیچ قدرت و شخصی واقع نشود عرض کردم برای مثال عرض کردم زیرا از این حرفها زیاد است اگر این قاضی خوب بود از ایشان تشویق کند اما اگر احکام او منطبق با موازین قانونی نیست فکر نکنند که یک هائلهای را بدبخت کرده است اهمیت ندارد با امنیت و اساس این کشور لطمه نزنند آقا همین حزبیات است که مانع است هر کس دست بکار اجتماعی برود در این کشور و این فقر و بیچارگی مولود همین وضعیت ما است بنده یک چیزهایی را اطلاع حاصل کردم که اجازه می خواهم توجه بفرمایید به بینید یک جا چقدر دقیق است کارها و یکجا چقدر موردی اعتنائی است حسن محمد سوزن بان راه آهن در دیماه ۱۳۲۲ موقعی که واگن های هیزم از مازندران بایستگاه راه آهن میرسد و بوسیله چرخ بشهر حمل میگشت این آدم در کنار جوی خیابان یک تکه هیزم که از چرخ گویا افتاده بوده پیدا میکنند و بر میدارند و بخانه اش که در گودال های جنوب شهر است میرود یاسگاه نگهبانی راه آهن او را تعقیب و استتطاق میکنند و معلوم میشود که وزن هیزم چهار کیلو گرم است و بقیه کیلومی ۵ ریال ۲۰ ریال تقویم میشود پرونده کفری تشکیل میشود بد اسرای دیوان کبیر احواله میگردد بازرس بعد از استتطاق زیاد قرار کفیل ببلوغ دروست ریال صادر میکند متهم از معرفی کفیل عاجز میماند قرار تبدیل بدیوست ریال وجه الضمان نقد میشود از این بیچاره میگیرند پس از آن بازرس دیوان کبیر در طول چندین سال مشغول جمع آوری ادله میشود و قرار مجرمیت حسن فرزند محمد بسرت یک تکه هیزم ببلوغ ۲۰ ریال صادر میگردد آنوقت این اصطلاحات قضائی را آقایان قضاوت بهتر میدانند اضافه میکنند بنویسد اگر این هیزم لطمه محسوب نبود یعنی مالی که در مابری پیدا شد است بایستی جاز بزندان اگر صاحبش پیدا نشد که هیچ والا تعقیب شود خلاصه این موضوع چندین سال تعقیب میشود در جراید اعلان می کنند پیدانی شود کیل سفر تعیین میشود در ۱۳۲۲ این حسن تبرئه میشود بحکم فبائی حالا ملاحظه بفرمایید آقایان باین حمل چقدر خرج تعلق گرفته اما صحیح است برای اینکه اسم دزدی در قاموس ایران وجود نداشته باشد این حسن سوزن بان باید بدش در بیاید این حسن سوزن بان که نه خانه دارد و نه هیچ از سوزن بان تا بالا همه گرفتارند البته اگر دادگاه دادگاه خاصی نباشد اینطور افراد هم گرفتار میشوند از طرفی مجلس برای آسایش مردم تبصره ۳۰ از ماده ۴ قانون بودجه را تصویب میکند ۶ ماه مهلت میدهند بگسانی که مزاحم مردم هستند بصاحبان این کوره های دستگامی

که با صدا و تفنن سلب آسایش مردم کرده اند ۶ ماه دولت بآنها و ۶ ماه بدولت مجال میدهند که این کار را اصلاح کنند آیا این قانون اجرا شده است که تماس با آسایش مردم دارد یا خیر؟ چرا تعقیب در اجرای قوانین این دستگامها قائل می شوید مردم ناراحتند اصحابشان سالم نیست افلا ش میخوانند یکساعت بخوابند روز یک وقت لایوتی صرف کنند این توجه را بکنند دولت این قانون اگر بیاید اجرا شود آقایان نگویند مشکل است این قانون را نمیشود اجرا کرد اگر دولت مجری قوانین است ( کشاورز صدر - اینها که مخالف است ) اینها تذکرات است این قانون چرا اجرا نمیشود چون در زمینه امنیت قضائی بنده عرض کردم البته این استعفا را هم دارم که جناب آقای وزیر دادگستری توجهی بفرمایند که قضاوت یا کدام هم تشویق بشوند قضاوت یا کدام فرق داشته باشد با غیر از آنهایی که نمی فهمند البته همه پاکدامند ولی یک عده ممکن است شم قضائی نداشته باشند افلا یک وجه تمایزی در این دستگام قضائی وجود داشته باشد یک تذکر دیگری دارم که مربوط بخود مجلس است و آن این است که این قوانین که در آخر دوره ۱۵ بجمله از این کمیسیونها درست تصویب شده اینها هم قابل تجدید نظر هست و اگر مجلس شورای ملی و مجلس سنا فرصتی بدولت داد اینها را هم اصلاح کنند ( حاذقی ولی تا تجدید نظر قانون است و باید اجرا شود ) در قسمت اقتصادیات که در برنامه دولت اشاره شده همانطوریکه در یک کشوری وجود قشون برای حفظ حدود و ثنور کشور لازم است و مورد احترام هست مبانی اقتصادی هم قابل توجه است موضوع موضوع حیاتی است باین موضوع حیاتی توجه شایسته نمی شود آقای دکتر نصر وزیر اقتصاد ملی که تشریف ندارند که بمطالبی که عرض می کنم توجه پیدا کنند بنده با پسر ایشان سالها دوستی داشتم از تجار محترم ما بودند بقامیشان ارادت دارم اما خود آقای دکتر تا اهل بان نشان ندهند آن حسن شهرتی را که دارند بنده نمی توانم تصدیق کنم البته مشهور است دکتر مردی است اقتصادی در امریکا موفقیت خوبی داشته است می گویند کتاب زیاد خوانده اند برنامه هم خیلی می نویسند اینها بدر این مملکت نمی خورد مملکت ما تشنه عمل است شهرت، در دین مملکت را دوا نمی کنند از همان امریکائی هم که ایشان از آنجا تشریف آورده اند مستشارها آورده ایم کاری برای این مملکت انجام ندادند باری از دوش مردم برداشتند ایشان برای حفظ موفقیت خودشان برای حفظ حسن شهرت خودشان اگر نمی توانند کاری کنند که یک فکر دیگری بکنند و اگر توانا هستند که این گروه های اقتصادی را بکشایند این مشکلاتی را که بعنوان مقررات سالیانه است چون تار عنكبوت بازنجبر عرض کنم بدست ویای این مردم پیچیده باز کنند اینهمه مقررات و مشکلات در امر اقتصادی کمتر جانی از دنیا سابقه دارد با این همه مقررات فرصتی برای انجام کار اقتصادی برای یک فرد یا افراد اقتصادی باقی نمی ماند

اول دولت توجه کند این تصویب نامه های خلق الساعه را بیکدوری جلوش را در امور اقتصادی بگیرد غالباً دیده شده که هنوز هم بیک تصویب نامه خشک نشده یک تصویب نامه دیگر ناقصی صادر شده و تکلیف آدم معلوم نیست کدام را عمل بکنیم؟ یک کار اقتصادی که هروج میشود افلا یک سال طول دارد که یک زمینهای را که شروع کرده است بتیجه برسد آنوقت وسط کار چه بکنند؟ میشود این تصویب نامه های متناقض بیکدیگر باید در آتیه صادر نشود در دستگامهای اقتصادی هم آهنکی وجود ندارد - خاطر می آید چند سال قبل در یک دستگام دولت پنبه فروخته میشد کیلومی ۱۱ ریال یک دستگام دیگر دولت پنبه میخرید کیلومی ۵۰ ریال دستگامی که می فروخت اداره تصفیه بود دستگامی که می خرید بانک صنعتی بود ده روز هم فاصله نداشت چرا آن دستگام از احتیاج این دستگام نباید اطلاع داشته باشد آمدند ناخبر برای اینکه مال التجاره در گمرکات زیاد نماند انبارداری را یک برشانزده ترفی دادند کدام انبار؟ همان فضائاتی که زیر آستان بود این را اسس را انبار می گذارند آنوقت یکجا گمرک میگوید که من باید انبارداری بگیرم یکی راه آهن میگوید من باید بگیرم و غالباً شده که هر دو هم گرفته اند یکجا میگوید فوری مرخص کن یکجاسهمیه نمیدهند یکجا پای او را میبندند یکجا هم میگویند برو آخر کجای دنیا این وضعیت هست اینهایی که عرض میکنم بروید تحقیق کنید شاید خلاف عرض نکنم یکجا مال مردم را حراج میکنند یکجاسهمیه نمیدهند یکجا انبارداری میگیرند یکجا می گویند مرخص کنید یکجا حراج میکنند اینها همه متناقض همه است مردم نمیتوانند با این وضعیت زندگی کنند

**نایب رئیس** - آقای ارباب پنجاه دقیقه وقت دارید استفاده میکنید

**ارباب** - بلی استفاده میکنم

**نایب رئیس** - پس با اجازه آقایان ده دقیقه تنفس داده میشود

(مجلس ساعت یازده و یازده دقیقه بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً ساعت یازده و سی و پنج دقیقه بریاست آقای دکتر معظمی تشکیل گردید)

**۷- تقدیم بودجه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی**

**نایب رئیس** - آقای امینی

**امینی** - بنده عرضی نداختم فقط خواستم بودجه سال ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی را تقدیم کنم که امر بفرمایند بکمیسیون معاسبات مجلس ارجاع شود

**۸- بقیه مذاکره در برنامه دولت**

**نایب رئیس** - آقای ارباب مهدی

**ارباب** - دنبال مطالبی که در قسمت اقتصادیات عرض میکردم یکی مساعدتی است که مدتی پیش اداره راه آهن اعلان کرد نسبت بصادرات کشور که ۲۵ درصد از کرایه عادی نسبت بکالای صادراتی تخفیف قائل شده اند تصور میکنم بعد هم تصویب نامه ای صادر شد که این تخفیف را ۷۵ درصد رسانید بطوریکه اطلاع حاصل کرده ام همان بیست و پنج درصد اولیه را که تخفیف قائل نشده اند و ضمن هر ایض مناسب می بینم توضیح بدهم که هر ایضی را که اینجا عرض می کنم از نظر حمایت طبقه بازرگان تنها نیست و با نهایت تأسف باید گفت این طبقه حساس کشور و عدت

خود را از دست داده اند حقوق خود را حفظ نکنند اطلاع دیگری حاصل کردم که پنجاه میلیون تومان مابه التفاوت فروش گواهی نامه های ارز را بانک ملی باختیار وزارت دارائی گذاشته است ( صحیح است ) و حقاً بایستی این پول بایستاد کنند تا آن کمک بشود یا از اعتبار این بازار گران صحیح العمل صادر کننده استفاده کنند چون ارتباط مستقیم دارد بصادرات کشور لطمه وارد آورده است مالیاتهای غیر مستقیم خارج از حدود مرورت و انصاف است به قماش و پارچه چهل درصد عوارض دولتی تعلق می گیرد بعنوانین مختلف - شکر کیلومی ۴ ریال است و نرخ دولتی او ۱۷ ریال است غالباً دیده شده که مردم بدبخت تا کیلومی سی و چهل ریال هم خریدند اند از یک کیلو چای ۵۰ ریال عوارض می گیرند گذشته از این که مردم طاعت تحمل این عوارض را ندارند این مالیاتهای زیاد باب قاچاق راهم بروی کشور باز کرده است و قتی که اینهمه تفاوت باقیمت اصلی وجود داشته باشد صرف می کنند که پرونده قاچاقی های یک پایه دیگر اقتصادی را از منزلزل کنند آیا ایامی که امروز از دستگامهای دولتی سلب شده بکمیسیون از یک مأمور خدمتگزار صدیق حق شناسی بگردد تا افلا متکی باشد که اگر روزی مرد یک دستگامی باشد که عائله او را نگاهداری بکنند و مجبور بتأمین آتیه نباشد اما مالیاتهای مستقیم روی بنده اینست که در هر دستگامی اگر عناصر صالحی وجود دارند کوری هم از آنها بکنیم در ضمن انتقاد تمام دستگامها خوب بود بیکساخت مورد انتقاد قرار نگیرند بنده آن چه اطلاع دارم آقای مولانا که مدیر کل مالیاتهای مستقیم است مرد خوبی است ( صحیح است ) و تا بحال تخلفی و خیانتی من از او سراغ ندارم - یک عنصر دیگری هم است آقای گودرز زینا که پدر او نماینده مجلس بود سابقاً و این هم تعجب است که فطرتاً یا کدام است این آقای گودرز زینا مرض درستی دارد در این مملکت ( یک نفر از نمایندگان گودرز زینا خودش وکیل بود ) پدر این گودرز زینا بود که کوی بود این شخص یک خانه ای رامالک بود شاید رضی نباشد که این اطلاعات اینجا گفته شود این خانه اش حراج شد و طلبکارها بر دندند حالیکه از اگر مثل بعضی از همکارهایش انجام وظیفه میکرد از حالا تا شب عید شاید بدیوست هزار تومان پول می گرفت حالا از این افرادی که اینقدر نادر هستند در دستگام دولت مقتضی است که حق شناسی بشود تا دیگران هم تاسی بکنند ( صحیح است ) تادستی در این کشور تشویق بشود و قتی که یک آدم درست را تشویق نکردند اگر آدم با وجدانی هم بود رضی نمیشود ولی اجبار پیدا میکنند که نادرست بشود اما عمل اداره مالیات مستقیم طرز اداره او بطوری سلب اعتماد کرده که حد و حصر ندارد هیچکس نیست که هر قدر میگویند برود مالیاتش را بدهد و بتواند یک مفاصا بگیرد ازین اداره و تا یک سال بتواند راحت تجارت بکند ( اردلان - پس چه تعریفی میکنید ؟ ) بنده این قسمت را چون خیلی مفصل است روی مطالب را هم که بنده یادداشت میکنم اگر بخوام وارد بحث بشوم طول میکشد و این مبحث را ختم میکنم بیک عمل این اداره که قریب دو هزار نفر را برداشته اند این کتاب را چاپ کرده اند که اینها مجهول المکان هستند ( صاحب جمع - این جلد اول است ) یکی از مجهول المکانها آقای

صاحب جمع پدر جنابالی مرحوم خانابا صاحب جمع است این که منزلت معلوم است چرا سرافش نرفتند آقای خانابا صاحب جمع که چند سال است مرحوم شده خدا رحمتش کند واقعا مرد خوبی بود حالا اسمی هستند که در خانواده های درجه اول این مملکت بکنند هستند که هر کسی در این مملکت زندگانی بکند اینها را مشتاسب اینها بیکه مؤدی هستند کارشان باینجا نمیکشد نه بکمیسیون تشخیص و نه بکمیسیون توافق می رود نه اینطور آگهی صادر میشود حالا آن نکته مورد نظر این است که میدانند مکان این ها کجاست اما برای اینکه جلوگیری از مرور زمان بکنند می آیند یک همچو چیزی را چاپ میکنند بنده می خواهم عرض کنم آقایان این دستگام دارائی مالیات مستقیم با اینهمه اعضاء زیاد بطور در ظرف سه سال اختطاریک باید بکنند نمیکند و میگذارند آن روز آخر سه سال کتاب منتشر میکنند کمی باید این کتاب را بخواند ( صفوی - قانون هست ) قانون هست که سه سال هیچ اقدامی نکنند و بعد کتاب منتشر بکنند؟ بهر حال اگر انجام وظیفه بکنند مجبور نیستند که یک همچو کتابی انتشار بدهند و چون در روز ما میگوئیم علاجش را هم باید گفت ممکن است من درست تشخیص ندهم ولی چه عیب دارد که با ضرب مأخذ پنجسال آخر هر مؤدی یک مالیات فاطمی برای هر فردی تعیین کنند؟ شر کنه دفترشان گواهی میدهد و احتیاج بتحقیق زیادی نیست و همانطور که سالها گفته شده یک اداره رسیدگی و حسابداری قسم خورده هم که در تمام دنیا معمول است تأسیس بکنند مالیات مردم را تشخیص بدهند و بگیرند دیگر اینهمه گرفتاری و بیش آگهی و اختطار و کمیسیون تشخیص و کمیسیون توافق و بدبختی مأمور اختطار و بیرونی مردم بیچینی این هم درآمدش کمتر هست و هم زحمت مردم زیاد می شود هم حس فعالیت و اعتماد مردم را میکشند اگر همانطور که دولتها موظف هستند قانون تفریق بودجه را بیاورند بجهت آنوقت می بینید که همین ادارات هزینه برستنی شان چقدر است و درآمد و راندمان کارشان چقدر است همانطور که مردم پول برق و تلفن می دهند و میروند مالیاتشان را هم میدهند اینهمه گرفتاری ندارد اینجا اسمی از اداره برق بردم بنده این عرضی را که میکنم استعفا می کنم آقایان منت بر بنده بگذارند و خوب توجه بفرمایند برای اینکه بنده اهل ظاهر نیستم شاهنشاه محبوب ما برادر های شاه خواهر های شاه بعد از شهریور بیست و هفتاد تمام هم و وقتشان صرف رسیدگی بالای مردم است ( صحیح است ) در دولتها هم اشخاص خیلی درست زیادند ولی در این دولت که بنظر بنده نادرستی نیست همه درست هستند حسن نیت هم هست پس چرا وضعیت اینطور است؟ مستأصل میکنند بیچاره میکنند چندی پیش یک افسر عالی مقامی باینده دوست بود آمد منزل من و داستان اداره برق را شرح داد که در ادارات نظامی با مردم اینطور رفتار میکنند؟ من برای یک چنین تقاضای مشروعی چهار هفته رفتم گفته اند بایستی آقای مهندس نجم را ببینی یک پرائر باز کنم که آقای مهندس نجم را هم من مرد خوبی میدانم ( صحیح است ) اما قادر نیست که این دستگام خراب را درست کند ( دکتر



(صحيح است) بنده ميخواستم عرض كنم كه يكي از  
مجلس افتادگان و ادراين جامعه ميديان است كه اين افراد  
رشد هم پيدا ميكنند يواش يواش مردمى كه ايند  
باوصالى هستند عقب مى افتند و آقايمان مى افتند جاو  
(شهاب خسروانى - اسم پيريد) بنده ميخواستم عرض كنم  
كه بايد اجازه نداد كه اين عناصر در اين مملكت رشد  
پيدا كنند يك موضوع چيكري هست و آن اينست كه  
اين اشخاص ميپيچند اگر دستشان را همه خوانندند  
ديگر مؤثر نيست اينها زودتر اقدام باينكار ميكنند  
اينست كه اين ها صبحها خيلى زود بلند ميشوند و  
با هر كسى ممانند و مخالف هم باشند فرق نميكنند  
هاشق حاكم هر اتد تلفن ميكنند اظهار خصوصيتى  
ميكنند با مناسبت، بي مناسبت بنزل هر كسى ميروند  
اظهار خصوصيت ميكنند و هر كسى خيال ميكنند كه  
اظهار خصوصيت اين تنها باوست و من خيال ميكنم  
كه يعنى اطمينان دارم كه پس از مدتي كه اين اشخاص  
دستشان باز شد آنوقت ديگر جانشان هيچ چنان خواهد  
بود آنوقت همه خواهند شناخت كه اين اشخاص نوكر  
روز هستند و اشخاصى كه منشاء اثر هستند برايشان  
هيچ فرقى نميكنند كه هر طور باشد بنده ميخواستم  
عرض بكنم كه چون متأسفانه كابينه فعلى از اين افراد  
بي نصيب نيست يكي از علل مخالفت بنده اين موضوع  
است كه بمناسبت تبديل نظر فرا كسيونى كه افتخار عضويت  
آنرا دارم اسم نيميريم يكي ديگر از شرايطى است كه  
بايد مورد بحث قرار بگيرد، موضوع صلاحيت آقايمان  
وزراست از نقطه نظر صلاحيت و تخصص آقاى  
شوشترى تشريف ندارند يك روز مى فرمودند كه  
شما از قاضى انتظار داريد مهندس برق بشود و از  
مهندس برق هم مى خواهيد قاضى بشود، اين ميشود  
مثل اينكه وزارت هيچ شرطى ندارد، يعنى ثباتى،  
بايكگانى، انديكاتور نويس اطلاع ميخواهد ولى وزارت  
را گفته اند كه هيچ شرطى ندارد آدم بدون اطلاع  
از مباني و اصول يك وزارتخانه اي ميتواند وزير بشود، چند وقت  
پيش در يكي از كابينه ها يكي از خوانين محترم  
آمده بود شده بود وزير عدليه حالا چرا بنده نمى دانم اين  
آقا مدتي آمده بود آنجا و پنجاه شصت روز وزير  
عدليه بود و گفته بود كه من از تمام قرارها و  
احكام عدليه يك چيز فهميدم و آن قرار عدم صلاحيت  
خودم بود، خودش هم بعد استمفا داد و وقت عرض كنم  
كه كاش اين انصاف آن مرد محترم كه مرد بسيار  
شريفى است و مورد كمال علاقه بنده هستند، ولى  
خودش هم ميدانست، خودش ميگويد كه قرار عدم  
صلاحيت من صادر شده كاش اين انصاف يك جوش  
در بعضى از آقايمان هم بود كه وقتى مى گفتند آقاى  
مهندس برق تو بايد اين كار را انجام بدهى، ميگفت  
خيلى متأسفم بنده مهندس برق هستم و ميتوانيد در  
اين قسمت از من استفاده كنيد و يا اينكار از من  
ساخته نيست و نمى توانم وزير بشوم، متأسفانه در  
كابينه فعلى اين موضوع هم رعايت نشده نمى خواهم  
بگويم كه تمام افرادى كه در كابينه هستند اينطور  
هستند ولى اين موضوع رعايت نشده خود آقايمان  
وقتي نگاه ميكنند واسم آقايمان را مى گذارند جلوشان  
مى بينند كه اين موضوع كاملا رعايت نشده است بنا  
بر اين يكي ديگر از اعتراضات بنده اين است اما

رايج بجناب آقاى ساهده جناب آقاى ساهده مناسبانه  
تشريف ندارند و اگر تشريف داشته خورشان هم  
تأييد ميكنند كه بنده كمال ارادت را بايشان دارم  
بنده آقاى ساهده را مرد بسيار شريف و سليم انفسى  
ميدانم و مرد بي آزادي مى دانم ولى بهمان اندازه كه  
اين مرد شريف و سليم انفسى است، براى رياست  
دوات آنهم در چنين موقعى مناسب نيست دلايلى هم  
خيال نميكنم لازم باشد در طول مدت زمامدارى همين  
كارهاى كه كردند وضع فعلى خودش دليل كافي  
خواهد بود كه آقاى ساهده ديگر از اين فرصت خيال  
نميكنم تا آخر عرضان وضعى بهتر از اين گيرشان  
ببايد كه بجهاني مجلس نباشد، تمام مردم موافق  
باشند هيچ مخالفى نباشد و هيچ مانع و رادى در كار  
نباهد آنوقت آقاى ساهده نتوانستند كار كنند آقاى  
ساهده نتوانستند شكر را در موقتش بخزند همين  
موضوعى بود كه آقاى ارباب اعتراض كردند، يكي از  
شاهكار همى كه آقاى ساهده براى خودش و براى  
كابينه شان هميشه ميشيرند اين است كه آقاى ساهده  
موفق شدند كنند بخزند (تقييد زاده - اين عمل كه  
عمل خوبى است) اجازه بدهيد آقايمان اين تك است  
براى مملكت ايران، اين مملكت كشاورزى مملكت  
پهنارورى كه بايستي يكي از صادرات هميشه غله باشد،  
كمال افتخار دولتش اين باشد كه موفق شده است  
كنند بخرد شما چرا يك كارى كرديد كه محتاج  
بشويم كنند بخريم من نميگويم نبايد كنند بخريد در  
موقعيكه قطعى مملكت را تهديد ميكنند كنند بخريد  
مانى ندارد بسيار خوب است ولى شما چرا يك كارى ميكنيد  
كه زارع از دهش بيايد بشهرو كدائي كنند شما به بخش ميكنيد  
همه چيز را از ش ميگيريد، امنيت را از ش ميگيريد و  
تازه برايش كنند بخريد و ميگوييد اگر نمى خريد  
شما ميرويد بنده ايرانم بكابينه و دولت آقاى ساهده  
اينست كه شما نتوانستيد وسايلى برانگيزيد و كارى  
بكنيد كه مردم و اين زارعين بدبخت، اين بيچاره ها كه  
گناهشان تنها اينست كه ايراني هستند، آقا گاو را هم  
تا موقعى كه علف ندهند شير نمى تواند بنهد مردم  
بدبخت را شما از تمام وسايل زندگى و امنيت محروم  
كرديد، و مياوريد بشهر بكدائي و ادارشان مى كنيد  
بعد كنند برايشان بخريد بنده مى خواهم يك چيز  
ديگرى عرض كنم آقاى دكتور راجسى فرمودند كه  
يكي از اقدامات دولت اينست كه روغن نباتى براى ما  
خریده اند، ميخواهم عرض كنم اگر آقاى ساهده خوب  
عمل کرده بودند، من يادم نميرود در زمان جنگ هم  
همين مشكلات بود دولت تبليغ ميكرود كه آقا سبب  
زميني بكاريد براى اينكه از حيث خواربار در مضيقه  
نيستيم، در اينست چه اقدامى شده براى اينكه كشاورزى  
ما بصورتى در آيد كه احتياج بخريد غله خارجى نداشته  
باشيم (صحيح است) بنده با آقايمان اعلام مى كنم كه  
اگر اين رويه ادامه پيدا بكند يكي از واردات عمده  
غله خواهد شد امسال ديگر از پارسل بدتر است،  
الان موقع كشت بهاره است تا ايندولت كنند ما را  
آورده و در انبار نگاه داشته و يكسى ندهد بتر هم  
نبيده، نام هم نبيده، دولت ميگويد من نان آورده ام  
براى مردم بدم ميگويد اين كندى كه من آورده ام  
براى مردم شهر است بدهان نميرسد، خيلى خوب  
دهاني بدبخت پول ندارد كه كنند بخرد، در كان نانوائى  
هم ندارد، بيكار هم كه هست ميايد بشهر چونكه در

شهر نان را ببقيد دولتى ميفروشند، او آخر يكي  
از افراد اين مملكت است شما مسئول هستيد كه نان  
او را تهيه كنيد شما كه او را باين روز انداخته ايد،  
چه فرقى بين دهاني و شهرى هست ميگويند نه آقا  
نمى شود، دهاني ببايد اينجا، اينجا هم كه گيرش  
نميايد مجبور است جان بكنند، آقا شكس كرسنه  
ايمان ندارد، دزدى ميكنند، آدم ميكنند هر كارى  
دستش برسد ميكنند براى اينكه شكس خودش را سير  
بكنند براى اينكه يك لقمه نان داشته باشد، خوب  
آقا اين نان را بپريد بدهات باو بدهيد، آقا اين  
كنند ما بهش بدهيد كه برود بكار و ديگر كدائي  
نكنند، هر چه گفتم تا كنون آقا اين مقررات اين قوانين  
و آئين نامه ها و اين دستگاه كارى نكرده كه نكرده  
نكرده و سه ماه است كه بنده براى حوزه انتخاباتيه ام  
مذاكره كردم آقاى ساهده آدم بسيار خوبى هستند  
دستور هم صادر كردند ولى دستگاه يك طورى است  
كه ميشود يكي از مفاخر دولت فعلى اينست كه  
من آذربايجان را درست كردم (بهادري - درست  
نكردند) اجازه بدهيد آقاى ساهده، رئيس دولت هستيد  
واهل آذربايجان و علاوه وظيفه هر فرد وطن پرستى  
است كه با آذربايجان رنجيده بيشتر توجه داشته باشد  
پس بايد آذربايجان فعلى نمونه فعاليت دولت فعلى  
باشد و بايد آذربايجان از تمام جاهاي ديگر بهتر  
باشد، ما جاهاي ديگر را كه بتصديق خود دولت  
بدتر از آذربايجان است مورد بحث قرار نديدم  
نسبت بخود آذربايجان محصول تمام اين كوشش ها  
و اين منتهائى كه بگردن آذربايجانى گذاشته ايد،  
گرستگى و آوارگى و بدبختى است (احسن، صحيح  
است) اينها ميايند تهران كه دولت برايشان اقدامى  
بكنند، چه اقدامى، ده تومان، پنج تومان بهشان  
ميدهند كه بروند اين چه اقدامى است، آقا ايندولت  
منظورش اينست كه اينها اگر بميرند در تهران نميرند  
بروند توى راه بميرند، مكرر شده كه اين اشخاص  
رفته اند توى راه مرده اند. (امامى - از گرستگى روزى  
دويست نفر در آذربايجان بميرند) عرض كنم كه  
خلاصه اينست كه اگر دولت بخواهد در اينجا يك ييلانى  
بدهد كه در اين مدت چه کرده است بنده خيال مى كنم  
بهتر است اصلا نبايد توضيح ندهد، يكي از آقايمان  
موافقين موقعيكه آمده بوديم اسم بنويسيم در برنامه  
دولت، ايشان خودش بنده فرمودند كه من هر چه  
فكر ميكنم كه يك موضوعى را مورد موافقت خودم  
قرار بدهم نمى توانم چيزى پيدا كنم عرض كردم كه  
خوب بدانم چرا موافقت ميفرمايد البته ديگر صحبتى  
نشد اميدوارم وقتى كه نوبت بايشان ميرسد ببايد  
و بگويند كه چطور شده كسى نمى تواند حتى  
موضوع كوچكى براى موافقت با برنامه دولت پيدا  
كند، جز موافقين اسم بنويسد البته منظور من  
اين نيست كه چرا ايشان موافق اسم نوشته اند،  
منظورم اينست كه موافقين دولت هم بايد  
مخالفت كنند، ملاحظه فرموديد كه چند نفر از آقايمان  
هم كه تشريف آوردند اينجا باسم موافق صحبت  
كردند چيزى غير از مخالفت نبود (از ارباب - تذكر  
اصلاحى بود) تذكر اصلاحى چيست؟ (فرامرزي -  
مى خواستند وقت گيرشان ببايد بخدا آنها هم مخالف  
بودند) عرض كنم كه بنده يقين دارم آقايمان هم اگر  
فراوش نكرده باشند روزى كه افتخار شريفابى بحضور  
اهليحضرت عمادون شاهنشاهى داشتيم فرمودند كه من

با اوضاع فعلى ديگر هيچ بهانه اى براى اينكه كرده  
پيش نرود نمى بينم، اگر بهانه اى باشد بي بافتى  
متصديان امور است، بنده اميدوارم كه باير كندارى  
اين دولت و روى كار آمدن دولتى كه بتواند مجرى  
تويات اعلا حضرت عمادونى در خواست هاى ملت ايران  
باشد اين بهانه هم از بين برود، خدا شاهد است وقتى  
كه ما فعلا در مملكت تلف مى كنيم هر ساعتى كه  
اينگونه دولتها سر كار باشند بنظر من ساعتهاى بسيار  
ذوقى را كم کرده ايم كه ديگر براى ما قابل جبران  
نيست زيرا وقتى كه سيل آمد ديگر مجال اين نيست  
كه بگويم ما با اين زمامداران مخالف بوديم، خود  
آقايمان مى دانند اگر سيل آمد ديگر فرق نمى گذارد  
باينكه بنده مخالف يا موافق بوده ام سيل كه آمد  
همه را مى برد، ما بايد يك كارى بكنيم و تا وقت داريم  
جلوى هرج و مرج را بگيريم (صحيح است) آقا با  
حرف نميشود مملكت را اداره كرد با كافت بازى و  
لفاظى و بختنامه نميشود كارى از پيش برد، مملكت  
دارى فكر ميخواهد اراده مى خواهد هزار چيز ميخواهد  
كه بگيرد در آقاى ساهده نيست دولت در هر برنامه اى  
كه آورده مى گفته قيمت زندگى را مى آوريم يائين  
حالا بنده كارى ندارم چه کرده و آقاى ابتهاج كه  
خواست يك اقدامى بكنند باچه موافق از طرف همين  
دولت ايد ملت بر خورده كردند البته من نمى خواهم  
اين را عرض كنم كه هر نرزشى شهردارى تعيين كند صحيح  
است ممكن است در بعضى نرزشها هم لازم بشود  
تجديد نظر كرد ولى يك تذكر اصولى دارم مطابق  
قانون، شهردارى بايستي كه با نظارت انجمن شهر  
نرزشها را تعيين كند و مطابق قانون در غياب انجمن  
شهر چانشينش وزارت كشور است آقاى نخست وزير  
كه اين نرزشها را لغو كردند نه انجمن شهرداره و نه وزير  
كشور اين يك عمل خلاف قانون است  
ميگويند اگر اينكار را نمى كرديم انقلاب ميشد خيلى  
عجيب است، اگر اين حرف را صحيح ميدانست  
يعنى نرزشها درست بود، دولت بايد قدرت داشته باشد  
كه مملكت را اداره كند، اگر صحيح نبود با دلایل  
ذکر مى کرد كه باين جهت كه اين نرزشهاى كه تعيين  
شده مطابق مصلحت نيست، مطابق با روز نيست، من  
باين دلایل اين را لغو ميكنم، موقوف الاجرا  
ميكنم نه اينكه نامه اى را كه شهردار از ش غير ندارد  
منتشر كند و بنويسد آقاى شهردار شما كه تعديل نرخ  
كرده ايد اين آئين نامه است و نرزشها ملغى شده است  
قيمت زندگى در ايران بدون افران از تمام ممالك  
دنيا زيادتر است (يكى از نمايندگان - مخصوصاً مسكن)  
قيمت يوند در زمان جنگ ۲۷ تومان بود حالا پانزده  
تومان است، اين دو برابر آمده يائين ولى قيمت  
زندگى بطور سرسام آورى مهود بالا و تمام  
اين مشكلات كه مى بيند قسمت عمده اش در قيمت  
زندگى است، آقا يك مردى را كه روزى ده تومان

بش حقوق بدهند و روزى بيست تومان براى او  
خرج درست مى كنند اين ميشود، اين را آقاى  
ساهده در برنامه شان گذاشته اند و هميشه هم درش  
تأسييد مى فرمودند، اين هم وضعى است  
كه ملاحظه مى فرمائيد، بنده يقين دارم كه دولت  
فعلى موفق باشد رأى اعتماد نخواهد شد (صحيح  
است) و اين تذكراتى هم كه مبدعم نه از اين نظر است  
كه اميدوارم اين دولت اينها را اصلاح كند، من ميگويم  
حالا كه در اين دولت وضع طورى پيش آمده كه در  
برنامه اش بايد حرف بزويم هر چه داريم بگويم كه  
در برنامه دولت بمنى حرف نزنيم كه دولت بمنى بداند  
كه نمايندگان چه ميخواهند و مردم چه ميخواهند  
آنوقت در برنامه دولت بمنى كه اميدوارم انشاء الله  
دولت خوبى تشكيل شود، كمتر حرف بزويم، بنا بر اين  
من اين تذكرات را كه مبدعم نه از نقطه نظر اين  
است كه اين دولت انجام خواهد داد، نه از نظر اين  
است كه بنده اميدوارم دولت اينها را قبول كند، از اين  
نظر است كه اميدوارم دولت بمنى اينها را بكار ببرد  
راحم سياست خارجى بنظر بنده همانطور كه يكي از  
اعضاي فرا كسيون كار آقاى دهقان بعرض رساندند  
دولت در سياست خارجى بسيار ضعف نشان داده است  
آقا ببارى بهر جهت و كج دار و مرزبام مملكت دارى  
جود درنى آيد، مادر تمام برنامه هاى دولت ها نوشته ايم  
كه با تمام دول روابط حسنه داريم آخر بايد ببينيم  
آن دولت ها هم با ما روابط حسنه دارند يانه، بنده در  
دوره قوت كه در برنامه ها راجع بوقايع مرزى مينوشتم  
پادواخت مى كردم اگر فرصتى باشد ميخواهم بعرض  
آقايمان برسانم آقا يك دولتى آيد برز بشمار سنا  
حمله ميكنند سربازهاى شما را ميكنند، طلاهاى شما را  
ميگيرد و پس نميدهد و بازم با او روابط حسنه داريم  
او كه با ما روابط حسنه ندارد، آقاى دكتور راجسى  
نوشته اند در روز ياپر روز باز تعاهد مرزى در گرگان  
شده و يك افسر ايرانى كشته شده است اينهم در نايد  
نظريه بنده است بنده عقیده ام اين است كه مملكت  
دارى با تعارف نمى شود، بايد سياست خارجى صريح  
و روشن، اين دولت هر دولت ديگرى، بتمام دول و  
مخصوصاً همسايه ها بگويد ما چه كرديم كه شما اينكار  
را مى كنيد، ما يك ملت فقيرى هستيم هر چه داشتيم  
بشما داديم در زمان جنگ آمديد و برديد، ميگفتند  
براى آزادى جنگ ميكنند، ما بيست سال معروفيت  
كشيديم چندتا كارخانه تهيه كرديم يك راه آهن  
كشيديم، داشت روبراه ميشد شما آمديد هم كارخانه  
ها را از بين برديد، هم راه آهن را از بين برديد، بعد  
از آنهم مملكت ما را تخليه نكرديد و هر بلائى بوده بر سر  
مردم بدبخت آورديد، طلاهاى ما را هم كه برديد  
و پس نداديد، بازم با شما روابط حسنه داشته  
باشيم بنده عقیده دارم كه بايد صاف و ساده  
برنامه دولت اين باشد، يعنى بنده نظر شخصى

و عقیده ام اينست كه آدم بايد دوستى و دشمنى  
و حساب و كتابش روشن باشد، اينكه آدم بگويد  
دوست همه هستم اين درست نيست يعنى دوست هيچ كس  
نيست، بنده عقیده ام اينست كه وضع سياست خارجى  
روشن بشود دولت اگر بتواند با اين همسايه كنار  
ببايد، آهم بايد مثل دولت قوى و دوست كه با هم  
مثل برادر رفتار ميكنند، ما كمال ميل و رغبت را  
داريم كه روابط حسنه داشته باشيم (صحيح است)  
ولى اگر بنا باشد سربازهاى بدبخت را سربازان  
بيچاره ما را هر روز ببايند بپريد و بكشند، طلاهاى  
ما را هم ندهند، مملكت ما را هم تهديد بكنند  
جاسوس هم بفرستند، خرابكارى هم بكنند، ملية  
ما را هم از بين ببرند آقا اينكه شوخى است، بنده  
عقیده ام اينست كه دولت نسبت سياست خارجى اش  
بسيار ضعف نشان داده، دولت آينده بايد حتماً باين  
موضوع توجه بكنند، حتماً اين موضوع را روشن بكنند،  
آنوقت راجع به بقيه هم وضع عجيبى داريم، ما  
با همه دوستيم و هيچ كس ما را بدوستى قبول ندارد،  
ما بايد تكليفمان را با همه روشن بكنيم، خارجى در  
نظر ما خارجى است (صحيح است) هيچ فرقى هم  
ندارد آن خارجى ممكنست از نظر ملت ايران مورد  
احترام قرار بگيرد كه استقلال ما، آزادى ما، ملية ما،  
مقدسات ما را بيشتر محفوظ بدارد، و احترام بكند  
و الا از نظر يك ايرانى، ضمن اينكه با تمام دول  
دوست هستيم، خارجى خارجى است و يك وجب خاك  
ما براى ما ارزشش از دوستى تمام دنيا بيشتر است  
آن هم دوستى كاغذى (صحيح است) بنا بر اين بنده  
عقیده ام اينست كه دولت بايد سياست خارجى اش  
را روشن بكنند، با همه هم صحبت بكنند بگويد كه  
تكليف ما با اين همسايه ها چيست؟ خواهش ميكنم  
وقت بفرمائيد، شما كم ميگويد ما براى آزادى جنگ  
كرديم مهد آزادى هستيم، همه اينها صحيح ولى اين  
مهد آزادى كه ميگويند با ما دوست هستند، من  
نميگويم كه از خودتان چيزى ببايد بدهيد، اگر عشى  
از اشعار حق ما را بدهند، ما يك ملت قوى و غنى  
خواهيم بود (صحيح است)، بنده اينجا چندي پيش از  
يك منبع موثقى اطلاع پيدا كردم كه اين شركت نفت  
در آبادان چهارصد، پانصد نفر كارگر را بيكار کرده  
است (صحيح است) اگر هر كارگرى پنج نفر عضو  
خانواده داشته باشد، ميشود دوهزار نفر، اين  
يك عبيدى است كه شركت خارجى در داخله كشور  
بيكارگران بدهد و بعد ميگويد با كوئيسم مبارزه  
كنيد، اينكه نميشود آقا، اين مرد بدبخت بيچاره -  
اى كه جرمش اينست كه در اين مملكت فلان كرده، دنيا  
آمده است، شب بيد چه بكند با خانوادهاش؟ آخر  
دولت مخصوصاً نماينده ما، خواستم بگويم كه آنها  
چه کرده اند براى كارگران بدبخت و بيچاره  
آبادان؟ بايستي دولت مداخله ميكرود و شرط مروت  
و شرط انسانيت اينست، بنا بر اين  
دولت بايد تكليفش را از نظر سياست خارجى

مخصوصاً با جانب روشن بکنند. الان تمام دول دارند از کمکهای دول بزرگ استفاده میکنند. سبیل ملام تمام ممالک سرازیر شده. دولت ما فقط با همین کجدار و مریز و به تعارف داش را خوش کرده است. آمده اند برنامه درست کرده اند. اول قرار بود کمک هائی بشود برنامه هفت ساله. تا بتوانیم برنامه هفت ساله را اجرا کنیم. نتیجه اش چه شده؟ اول يك مقدار پول از ما گرفتند و نتیجه اش با این صورت درآمد که پول ما را گرفته اند و برای ما مبالغه کرده اند. ۶۴۰ هزار دلار خرج صد جلد کتاب شده که برای ما بفرستند. این کتابها اولاً با تکلیفی است. بکده اش فارسی چاپ نشده که افلا مردم به بینند که آنها برایشان چه کرده اند. بعد هم هر کدامشان حقوقهای گزافی که هر کدامش برابر با حقوق تمام اعضاء کابینه است گرفته اند این صعب است که شاید بعضی از آنها وقتشان گران و ذیقیمت باشد ولی ما نداریم که بدهیم. شما قرار بود که با کمک کنید. دولت اگر در وجه حسابی پیش گرفته بود میتواند حد اکثر کمک را بگیرد. ما گمانی که نمیخواهیم بکنیم آقا در زمان جنگ. خانه مان را گرفتید. گرایه خانه را بدهید. گرایه اسباب و اثاث را بدهید. آنرا بدهید تمام کارخانجات ما را از بین بردید کارخانه های ارتش را در چه ساخت بردند. تفنگهای ما را بردند فشنگ ها را بردند همه چیز را بردند منظور بنده اینست که دولت می تواند بار و باره مبالغه و متین. بار و باره ای که باری به جهت نباشد. یا فقط بعضی خودش معتقد نباشد. اگر کمکی باید بمملکت ما بشود. مامله نشود با اینکه یکی سر کار بیاید آنوقت درست میشود. بنابراین سیاست خارجی دولت هم مثل سیاست داخلی اش قابل کمال ایراد و اعتراض است. این حالا با دول بزرگ است. ما با دول کوچک هم موفق نمیشویم مثلاً در مجلس یازدهم صحبت شد موضوع شط العرب. مطابق قراردادای شط العرب بایستی تحت نظارت يك هیأت ایرانی و عراقی باشد (صحیح است) و این شط العرب هم مشترك بین دو دولت است دولت عراق هم بی زور میگوید. ملاحظه فرمائید نهیات مشترکی تشکیل شده. و نه شط العرب دست ماست. اقبال را تاشا کنید. رود هیرمند مدتهاست که مسیرش تغییر کرده و حالیه هم هنوز معلوم نیست که چطور بشود و میترسم که يك مقداری هم پول حکمیت بدهیم. بعد هم معلوم نیست که چطور میشود. منظور بنده این نیست که دولت با خارجیها حسن رابطه نداشته باشد. حسن رابطه با ضعف فرق دارد دوستی هم با نو کوری فرق دارد. هینطور که مرض کردم دولت ایران با هیچکس دعوی ندارد (احسن - صحیح است) ما با کسی چنگ نمیخواهیم بکنیم. ولی تا وقتی که زنده هستیم آخر نمیتوانیم که هم چوبیم سر که هم بیازرا بخوریم و هم صیترمان را بدهیم. ما تمام لوازم خارجی یکپاره را با ما داریم. ما را آن طرف و آن طرف داریم (یکس از

نمایندگان - پس باید بیطرف باشیم) نه هر طرفی بیشتر بپاچیز بدهد. هر طرفی بیشتر حمایت ملت ما را میکند هر طرفی بیشتر استقلال و تمامیت ارضی ما را برسیب میشناسد. با او دوستیم. (ماده ای صحیح است) مرض کنم که در سایر مواد برنامه بنده مقدم این است که ماده اول برنامه هر دولتی که بخواهد کار کند باید مبارزه شدید با کمونیسم باشد. (صحیح است) منظور بنده این نیست که هر کسی مخالف دولت حرف زد بگوید کمونیستی و بگیرند و حبس کنند یا هر کس هم واقفاً کمونیست بود بپرند حبس کنند. مبارزه با کمونیسم شرایطی دارد. هر طاول مخالفت با کمونیسم تأمین حداقل مامان است (صحیح است) بهداشت و فرهنگ برای مردم است (صحیح است) بنابراین اگر عملاً مبارزه با کمونیسم در برنامه باشد یعنی يك ملت سیری داشته باشیم. آقایان خوشبختانه باید بختانه بنده نمی دانم. کمونیسم بآن صورتی که می گویند اصلاً در دنیا وجود ندارد. آنچه که بکمونیسم تعبیر میشود يك استعداد موحشی است که در تاریخ قرون وسطی هم کمتر نظیر دارد. یعنی اگر بخواهیم بگیریم و پیدا کنیم باید اول دست روی تاریخ منوال یا تیمور لنگ را پیدا کنیم. بنابراین کمونیسم بآن نحوی که میگویند اصلاً وجود ندارد ولی آنچه تحت جملات ظاهر فریب و فریبدهای گفته می شود همین دیکتاتوری که ملاحظه میفرمائید هست که در دنیا تحت جملات ظاهر فریب و فریبدهای مقاصد خودش را آورده با این مردم گرسنه و مردم بدبخت و مردم بی اطلاع را تبلیغ می کنند برای مبارزه با آن دستگاه اولاً ما شرایط بسیار مساعدی داریم برای اینکه ماملت متدینی هستیم و بدین و شاه خودمان علاقمند هستیم و مسلم است و در این تردیدی نیست که هر کس بدینش علاقمند باشد بشاه و مملکتش علاقمند باشد حتماً گول این تبلیغات را نمی خورد (صحیح است) ولی باید يك فکری هم برای مردم کرد. بعقیده بنده بایستی در ماده اول برنامه دولت مبارزه با کمونیسم ذکر میشد ولی بی رودر بایستی آنجائی که در این حامل کمونیسم هستند یکی یکی از بین ببرند اولین حامل کمونیسم خود دولت است برای اینکه فقر و فاقه و بیچارگی همیشه معیض مساعدی برای نشو و نمای این افکار است پس اول خود دولت ها هستند بعد دوستها هستند يك دسته هستند که مزدورند یعنی پول می گیرند از خارجی و روابط مستقیم دارند اینها را نمی شود از بین برد. اینها را نمی شود ارشاد کرد اینها را جز اینکه بدون هیچگونه ملاحظه و رحم و شفقت بیاورند و بتیر چراغ برق آوزیران کنند چاره ای ندارند يك دسته هستند که گول خورده اند وضع بد است و آنها از اوضاع ناراضی هستند. آنها نمی دانند چه خبر است خیال می کنند آنجا بهشت موعود است بدبختی مردم را می بینند گرسنگی خودشان را می بینند باور می کنند. این ها را باید لاشا کرد من دام

می خواست که دولت يك دسته ای داشت که از اینها يك هیأت مائس می فرستاد که آنجا را ببینند. این خودش بهترین وسیله بود (یکس از نمایندگان - نمی گذارند) بنابراین اگر دولت بخواهد مبارزه با کمونیسم بکند بهترین موقعیتها در مملکت ما هست از نظر معتقدات مذهبی و سوابق تاریخی. مردمی که متوجه کمونیسم و این بلائی عظیم می شوند دیگر بجان آمده اند میگویند یا ما را می کشند یا زنده میمانیم. اگر مردمی که مثل حالات خدا شاهد است اگر اینکار از اول يك وضعی پیدا نکند بدون تردید همانطور که در آذربایجان رحم نکردند همانطور که با و سر مردم را اهره کردند همانطور که بنارس و عرض هیچکس رحم نکردند. بر هیچکس رحم نخواهند کرد. يك روز رضا روستا کعبس بود بنده می گفت اینقدر بیزید که بتوانید بخورید اگر نوبت ما بشود زنده زنده پوست شما را می کنیم بنده گفتم من یقین دارم که شما اینکار را می کنید چه حالا من باشم موافق باشم. چه مخالف باشم. چه شما را آزاد بکنم چه در زندان نگاهدارم. در هر صورت شما اگر درستان برسد مجبورید پوست کله بنده و امثال بنده را زنده زنده بکنید برای اینکه شما باید آن مرا می که دارید در يك محیطی رشد بکنند که اسلاف هم وجود نداشته باشد. و من چون آنقدر کشتا فکر می کنید برای شما مفید نیست بی فهم نیستیم. شما حتماً مرا میکشید و اگر خدای نکرده نوبت شما برسد اول طرفداران خودتان را می کشید اول آن اشخاصی را که گول خورده اند باسم بهشت موعود. آنها را می کشید. ولی آقایان این حرف رضا روستا همیشه در گوش من هست خدا شاهد است تا موقعی که فرصت داریم بیاید يك فکری بکنید اولاً يك روزی میرسد خدای نخواست که پوست کله ما را زنده زنده می کنند و دیگر مجال خدا حافظی هم نداریم. مرض کنم يك قسمت دیگر از اظهارات بنده راجع به دادگستری است بنده خیال می کنم که هر چه راجع به دادگستری صحبت بشود هر قدر از اهمیت این موضوع و نواقصی که فعلاً دارد و توجهی که باید بشود بازم کم است. اصلاً اگر دولت يك ماده می گذاشت و آن اصلاح دادگستری بود و واقفاً ما را معتقد باصلاح این دستگاه میکرد. واقفاً بهش رأی می دادیم برای اینکه پایه و اساس هر کاری در دادگستری است! اگر شما دادگستری داشته باشید همه چیز دارید و اگر دادگستری نداشته باشید هیچ چیز ندارید. بنده معتقدم برای این که از بیگاری جلوگیری شود بایست دادگستری را اصلاح کرد. اگر شما امنیت قضائی داشته باشید سرمایه خود بخود بگاز میافتد وقتی بگاز افتد سگاز گرم سر سگاز میورد. اما اگر شما امنیت

### انتصابات و احکام

شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۲۸-۱۷۳۰۶  
**آقای عبداللّه قدسی**  
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در دهستان رودان حومه بندر عباس برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۸-۱۷۳۲۶  
**آقای محمدرضا مجدثی**  
**سردفتر اسناد رسمی و طلاق**  
**دهکده اخولومد مشهد**  
 نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانفصال موقت محکوم شده آید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خانه رسیدگی انتظامی از تصدی دفاتر اسناد رسمی و طلاق معلق مینماید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۷۸-۲۳۰۰۶  
**آقای احمد مظفری**  
 بخشدار آبیگ از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار مملکتی منتقل و منصوب شدند.

وزیر کشور  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۷۸-۲۳۰۰۶  
**آقای احمد مظفری**  
 بخشدار آبیگ از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار آبیگ منتقل و منصوب شدند.

وزیر کشور  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۹۲-۲۳۰۰۴  
**آقای محمود دبیرسیافی**  
 بخشدار ضیاء آباد از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار آبیگ منتقل و منصوب شدند.

وزیر کشور  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۸۰-۱۷۴۸۱  
**آقای عبدالحمید ذاکر حسین**  
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دیندیشک برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۸۲-۱۷۷۱۸  
**آقای اسدالله مینی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق قریه**  
**بنیس بلوک ارونق تبریز**  
 بموجب این ابلاغ استغای شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۳۰-۱۸۲۷۳  
**آقای محمد اسمعیل میرزائی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق بندر**  
**و پاچه لك الیگودرز**  
 نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانفصال موقت محکوم شده آید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خانه رسیدگی انتظامی از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۶  
**آقای قدرت الله مؤمنی**  
**سردفتر اسناد رسمی و ازدواج**  
**بخش بالاگریوه خرم آباد**  
 ابلاغ انتصاب شما بسمت سردفتری اسناد رسمی و ازدواج بخش بالاگریوه ملغی الاثر میشود کما فی السابق بسمت دفتر یاری و نمایندگی دفتر اسناد رسمی شماره يك خرم آباد انجام وظیفه نمائید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۱۶-۱۷۳۰۱  
**آقای سید شهاب رضوانی**  
**دفتریار دفتر اسناد رسمی**  
**شماره ۶۴ اصفهان**  
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه دوم اصفهان منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.

شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۲۸-۱۷۳۰۶  
**آقای عبداللّه قدسی**  
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در دهستان رودان حومه بندر عباس برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۸-۱۷۳۲۶  
**آقای محمدرضا مجدثی**  
**سردفتر اسناد رسمی و طلاق**  
**دهکده اخولومد مشهد**  
 نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانفصال موقت محکوم شده آید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خانه رسیدگی انتظامی از تصدی دفاتر اسناد رسمی و طلاق معلق مینماید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۷۸-۲۳۰۰۶  
**آقای احمد مظفری**  
 بخشدار آبیگ از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار مملکتی منتقل و منصوب شدند.

وزیر کشور  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۷۸-۲۳۰۰۶  
**آقای احمد مظفری**  
 بخشدار آبیگ از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار آبیگ منتقل و منصوب شدند.

وزیر کشور  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۹۲-۲۳۰۰۴  
**آقای محمود دبیرسیافی**  
 بخشدار ضیاء آباد از تاریخ اول اسفند ماه ۱۳۲۸ سمت بخشدار آبیگ منتقل و منصوب شدند.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۸۰-۱۷۴۸۱  
**آقای عبدالحمید ذاکر حسین**  
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دیندیشک برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۸۲-۱۷۷۱۸  
**آقای اسدالله مینی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق قریه**  
**بنیس بلوک ارونق تبریز**  
 بموجب این ابلاغ استغای شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۳۰-۱۸۲۷۳  
**آقای محمد اسمعیل میرزائی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق بندر**  
**و پاچه لك الیگودرز**  
 نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانفصال موقت محکوم شده آید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خانه رسیدگی انتظامی از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۶  
**آقای قدرت الله مؤمنی**  
**سردفتر اسناد رسمی و ازدواج**  
**بخش بالاگریوه خرم آباد**  
 ابلاغ انتصاب شما بسمت سردفتری اسناد رسمی و ازدواج بخش بالاگریوه ملغی الاثر میشود کما فی السابق بسمت دفتر یاری و نمایندگی دفتر اسناد رسمی شماره يك خرم آباد انجام وظیفه نمائید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۰۹۸۲-۱۷۷۱۸  
**آقای اسدالله مینی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق قریه**  
**بنیس بلوک ارونق تبریز**  
 بموجب این ابلاغ استغای شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود.

شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۷۸-۱۸۳۷۱  
**آقای غلامرضا جلالی**  
**سردفتر ازدواج دهکده های**  
**خیابان و محمدیه و تیلگر و مشهد**  
 نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانفصال موقت محکوم شده آید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خانه رسیدگی انتظامی از تصدی دفتر ازدواج معلق مینماید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۳۶-۱۷۱۷۳  
**آقای محمد حسین شیخ زین الدین**  
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در قراه مورغان و شمس آباد و آهنگران حومه اصفهان برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۰۸-۱۷۲۳۹  
**آقای سید علی علوی**  
**سردفتر ازدواج شهر قزوین**  
 بموجب این ابلاغ بعلت کناره گیری و ترک محل کار از تصدی دفتر ازدواج معاف میشود.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۰۸-۱۷۲۳۹  
**آقای سید علی علوی**  
**سردفتر ازدواج شهر قزوین**  
 بموجب این ابلاغ بعلت کناره گیری و ترک محل کار از تصدی دفتر ازدواج معاف میشود.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۱۰۲۰-۱۸۲۷۸  
**آقای محمد باقر عرفانی**  
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما در حوزه بیهودان برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۱۶۹۸۷-۳۱۰۲۲  
**آقای محمد باقر عرفانی**  
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم حوزه بیهود قان منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۶ ۳۰۹۷۲-۱۷۷۷۸  
**آقای محمد دیرین**  
 بموجب این ابلاغ دفتر شما در قریه گویم حومه شیراز برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۰۴۱۶-۱۷۳۰۱  
**آقای سید شهاب رضوانی**  
**دفتریار دفتر اسناد رسمی**  
**شماره ۶۴ اصفهان**  
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه دوم اصفهان منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۰۹۸۲-۱۷۷۱۸  
**آقای اسدالله مینی**  
**سردفتر ازدواج و طلاق قریه**  
**بنیس بلوک ارونق تبریز**  
 بموجب این ابلاغ استغای شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود.

وزیر دادگستری  
 شماره ۲۸۰۱۲۷ ۳۱۰۴۶  
**آقای قدرت الله مؤمنی**  
**سردفتر اسناد رسمی و ازدواج**  
**بخش بالاگریوه خرم آباد**  
 ابلاغ انتصاب شما بسمت سردفتری اسناد رسمی و ازدواج بخش بالاگریوه ملغی الاثر میشود کما فی السابق بسمت دفتر یاری و نمایندگی دفتر اسناد رسمی شماره يك خرم آباد انجام وظیفه نمائید.

فغانی نداشته باید سرمایه خود بهود فرار میکنند  
از مملکت خارج میشود یا حد اقل اینکه را محدود  
میسازند (صحیح است) سرمایه داد خارجی سرمایه اش  
را به بلکنی میدهد که امنیت فزائی داشته باشد  
(صحیح است) شما با وضع فعلی سرمایه های داخلی  
را هم نمی توانید حفظ کنید. برای اینکه کسی  
اعتقاد ندارد اطمینان ندارد يك وقت می بیند  
سرمایه را از دستش گرفتند. بنابراین تمام معایب  
تمام مشکلات تمام بدبختیهای ما را اگر بخواهید  
اصلاح کنید باید دادگستری را درست بکنید  
(صحیح است) هر کس را صحبت بکنند از فساد

و رشاه و ارتشاه صحبت میکنند پایه های مملکت ما  
را این اعمال از بین برده این را که اداره نمک  
نباید جلویش را بگیرد دادگستری باید جلویش  
را بگیرد اگر شما می بینید هیچ بودجه ای بمصرف  
خودش نمیرسد اگر فرضاً بودجه ای که باید بمصرف  
باتلاق یا راه یا هر چه فکر میکنید برسد خرج  
آپارتمان و چیزهای دیگر در تهران میشود اگر  
می بینید بهیچوجه مردم امنیت ندارند دست و دلشان  
بکار نمیرود اگر می بینید که هر کس هر چه دلش  
میخواهد میکند و نمی ترسد تمام اینها برای عیب

و نقصی است که در دستگاه فعلی دادگستری هست  
(صحیح است) بنا بر این هر چه راجع به دادگستری  
صحبت شده بقیه بنده کم است.  
۹- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه  
نایب رئیس - آقای پیراسته وقت تمام  
شد. جلسه ختم میشود و جلسه آینده روز ۳ شنبه  
ساعت ۹ و نیم صبح تشکیل خواهد شد. دستور  
جواب سئوالات و بعد برنامه دولت.  
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)  
نایب رئیس مجلس شورای ملی  
دکتر عبدالله معظمی